

به نام خدا

تدریس اثربخش

مولفان :

زینب خانلاری

کبری حسنخانی

فریبا موحد

زیبا بابازاده جمال کندی

زهرا علی پور

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : خانلاری، زینب، ۱۳۶۷
عنوان و نام پدیدآور : تدریس اثربخش / مولفان زینب خانلاری، کبری حسنجانی،
فریبا موحد، زیبا بابازاده جمال کندی، زهرا علی پور.
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۱۳۳ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۷۵۶-۱
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه: ص ۱۳۳ - ۱۳۰.
موضوع : تدریس اثربخش
شناسه افزوده : حسنجانی، کبری، ۱۳۶۱
شناسه افزوده : موحد، فریبا، ۱۳۶۴
شناسه افزوده : بابازاده جمال کندی، زیبا، ۱۳۷۱
شناسه افزوده : علی پور، زهرا، ۱۳۷۶
رده بندی کنگره : TK۵۱۰۵/۴۸۵
رده بندی دیویی : ۰۵۴
شماره کتابشناسی ملی : ۹۵۱۸۷۰۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : تدریس اثربخش
مولفان : زینب خانلاری - کبری حسنجانی - فریبا موحد
زیبا بابازاده جمال کندی - زهرا علی پور
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۳
چاپ : زیرجد
قیمت : ۱۲۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۷۵۶-۱
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

۷	فصل اول: کلیات
۷	مقدمه
۱۳	تدریس اثر بخش
۱۴	مفهوم تدریس اثر بخش
۲۱	فصل دوم: آمادگی (طرح درس)
۲۱	مقدمه
۲۲	طرح درس
۲۴	مزایای طرح درس
۲۵	انواع طرح درس
۲۶	مراحل نوشتن طرح درس
۳۳	فصل سوم: روش های مناسب تدریس
۳۹	بحث گروهی
۴۰	مزایای روش بحث گروهی
۴۰	اجرای روش بحث گروهی
۴۰	ایفای نقش
۴۰	مزایای روش ایفای نقش
۴۱	اجرای روش تدریس ایفای نقش
۴۱	روش اکتشافی
۴۲	مزایای روش اکتشافی
۴۳	روش تدریس حل مسئله
۴۳	راه های حل مساله

۴۵	مزایای روش حل مساله
۴۵	روش تدریس پروژه
۴۶	مزایای تدریس مدرس محور
۴۶	اجرای روش تدریس پروژه
۵۰	فصل چهارم: استفاده از وسایل کمک آموزشی
۵۰	تکنولوژی آموزشی
۵۰	ابعاد تکنولوژی آموزشی
۵۲	اجزای تکنولوژی آموزشی
۵۳	تکنولوژی آموزشی و یادگیری
۵۶	وسایل کمک آموزشی
۵۷	انواع وسایل کمک آموزشی
۶۱	معیار انتخاب وسایل کمک آموزشی
۶۱	ویژگی های آموزشی وسیله
۶۱	ویژگی های فنی وسیله
۶۲	شرایط و امکانات اجرایی
۶۲	نقش وسایل کمک آموزشی در یادگیری
۶۵	فصل پنجم: پرورش مهارت های دانش آموزان
۶۵	پرورش خلاقیت
۶۷	ویژگی های افراد خلاق
۶۸	موانع خلاقیت
۷۰	راهکارهای پرورش خلاقیت دانش آموزان
۷۶	تقویت خود پنداره تحصیلی
۸۰	راهکارهای افزایش خودپنداره مثبت
۸۱	ایجاد انگیزه در دانش آموزان

.....	عوامل ایجاد انگیزش تحصیلی	۸۴
.....	۱. تشویق لفظی	۸۴
.....	۲. داشتن هدف	۸۵
.....	۳. محیط کلاس	۸۵
.....	۴. علاقه‌مندی معلم به درس	۸۶
.....	۵. پرهیز از تبعیض	۸۶
.....	۶. برانگیختن حس کنجکاوی	۸۶
.....	۷. ایجاد نگرانی	۸۷
.....	۸. نقش بازی در انگیزش	۸۷
.....	۹. ارتباط درس با زندگی	۸۷
.....	۱۰. استفاده از امتحان	۸۸
.....	راهکارهای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان	۸۸
.....	فصل ششم: توجه به تفاوت‌های فردی	۹۱
.....	تاریخچه مطالعه تفاوت‌های فردی	۹۱
.....	تفاوت‌های بین فردی	۹۳
.....	تفاوت‌های درون فردی	۹۴
.....	تفاوت‌های درون گروهی و بین گروهی	۹۴
.....	علل تفاوت‌های فردی	۹۵
.....	شناسایی تفاوت‌های فردی	۹۸
.....	هوش و تفاوت‌های فردی	۹۹
.....	شخصیت و تفاوت‌های فردی	۱۰۰
.....	جنسیت و تفاوت‌های فردی	۱۰۱
.....	محرومیت‌های فرهنگی و تفاوت‌های فردی	۱۰۳

۱۰۵	اختلالات رفتاری و تفاوت‌های فردی
۱۰۸	توجه به تفاوت‌های فردی در کلاس
۱۱۲	رهنمودهایی برای معلمان
۱۱۶	فصل هفتم: برقراری نظم و مدیریت کلاس
۱۱۶	برقراری نظم در کلاس
۱۱۹	علل بی‌نظمی دانش‌آموزان
۱۲۳	انواع رفتارهای دانش‌آموزان
۱۲۴	فنون موثر در برقراری نظم در کلاس درس
۱۲۶	پیشگیری از بی‌نظمی دانش‌آموزان

فصل اول: کلیات

مقدمه

اصطلاح تدریس اگر چه در متون علوم تربیتی مفهومی آشنا به نظر می‌رسد اما برداشت‌های مختلف معلمان از مفهوم تدریس می‌تواند در نگرش آنان نسبت به فراگیر و نحوه کار کردن با آنها تاثیر مثبت یا منفی بر جای گذارد. برداشت چندگانه از مفهوم تدریس می‌توان دلایل مختلفی داشته باشد. از مهم‌ترین آنها ضعف دانش پایه، اختلاف در ترجمه و برداشت نادرست معلمان از دیدگاه‌های مختلف تربیتی است. تدریس فعالیتی است پیچیده که مستلزم آمادگی دقیق، طراحی هدف‌ها و فعالیت‌هاست. این طراحی بر اساس ساعت، روز، هفته انجام می‌شود. به علاوه طراحی بلند مدت برنامه‌ی درسی را در طول یک دوره، نیم‌سال و سال تحت پوشش قرار می‌دهد (ویداوسون^۱، ۲۰۰۳).

مفهوم کیفیت تدریس در فعالیت‌های آموزشی سالهاست که مورد توجه بوده است. برطبق نظر سلدین^۲ (۱۹۹۸) تا یک دهه قبل بیش از پانزده هزار پژوهش درباره موضوع اثربخشی تدریس منتشر شده است. در مدت ده سال گذشته نیز به مراتب در این باره پژوهش‌های گسترده تری انتشار یافته است. مفهوم آموزش بر خلاف پرورش یک نظام نیست، بلکه آموزش فعالیتی است هدف‌مدار و از پیش طراحی شده که هدفش فراهم کردن فرصت‌ها و موقعیت‌هایی است که امر یادگیری را در درون یک نظام پرورشی تسهیل کند و سرعت بخشد. مفهوم تدریس به آن قسمت از فعالیت‌های آموزشی که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می‌افتد اطلاق می‌شود. تدریس بخشی از آموزش است ولی هر آموزش ممکن است تدریس نباشد. چهار ویژگی خاص در تعریف تدریس وجود دارد که عبارتند از:

¹ - Widdowson

² - Seldin

- وجود تعامل بین معلم و فراگیران.
- فعالیت بر اساس اهداف معین و از پیش تعیین شده.
- طراحی منظم با توجه با موقعیت و امکانات.
- ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری.

تدریس در دیدگاه‌های مختلف ماهیت و معنای مختلفی دارد. بعضی آن را بیان مستقیم حقایق علمی از طرف معلم به فراگیران می‌دانند. گروهی دیگر آن را هم‌ورزی یا تعامل بین معلم و فراگیر و محتوا در کلاس درس تعریف کرده‌اند. عده‌ای از متخصصان تعلیم و تربیت فراهم آوردن موقعیت و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای فراگیر آسان کند تدریس نامیده‌اند.

اسمیت به پنج نوع تدریس معتقد است که عبارتند از: تدریس توصیفی، تدریس موفقیتی، تدریس ارادی، تدریس هنجاری و تدریس علمی. به نظر اسمیت تعریف توصیفی تدریس عبارت از بیان مستقیم و صریح دانش و مهارت از معلم به فراگیر است. در تعریف موفقیت دو مفهوم تدریس و یادگیری نقشی تعیین کننده دارند؛ به این معنی که عمل تدریس صورت نخواهد گرفت مگر اینکه یادگیری اتفاق افتاده باشد. تدریس در مفهوم ارادی عملی است هدفمدار که اهمیت کارکرد آن در رخدادهای آموزشی بستگی به موقعیت و باور معلمان دارد. به عبارت دیگر تدریس نه تنها نظام فکری معلمان، بلکه عملکرد آنها را که به وسیله هدف‌های از پیش تعیین شده هدایت می‌شود، مشخص می‌سازد. تعریف تدریس از منظر هنجاری معطوف به فعالیت‌هایی است که بر پایه اصول اخلاقی، شواهد و استدلال بنا شده باشد. در چنین برداشتی از تدریس همواره دو سوال اساسی وجود دارد:

- چه چیز باید آموخته شود؟
- چگونه باید آموخته شود؟

تدریس از منظر علمی فعالیتی است صریح و دقیق که ریشه در تجارب گذشته معلمان و متخصصان تربیتی دارد. بر اساس چنین رویکردی تعریف تدریس باید عاری از هر گونه

ابهام و عدم دقت باشد و با جملات و عباراتی بیان شود که ضمن ریشه داشتن در عرف و فرهنگ عمومی، دلالت بر رفتارهای صریح و بدون ابهام داشته باشد و آثارش نیز از طریق تجربه تایید شود. نظریه پردازان منشا همه نظریه‌ها را سه معرفت اساسی یعنی علوم انسانی، علوم طبیعی و علوم اجتماعی دانسته‌اند. تعلیم و تربیت نیز به عنوان یک دانش کاربردی به رغم هویت مستقل، وابسته به علمی چون علوم طبیعی، فیزیولوژی، فلسفه، روانشناسی و جامعه‌شناسی است. نظریه‌های تدریس نیز به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از نظریه‌های تعلیم و تربیت متأثر از نظام‌های معرفتی ذکر شده است. داشتن تدریس مطلوب از سوی معلمان از عوامل متعددی پیروی می‌کند که مهمترین آن داشتن محیط مناسب آموزشی می‌باشد. نظام‌های آموزشی کشورها موظفند به منظور بهبود فرآیند تدریس معلمان فضایی مناسب را فراهم نمایند. این بدین منظور است که نظام‌های آموزشی خود می‌تواند بر تمامی اجزای درونی اش تاثیر گذار باشد.

ساخت نظام آموزشی هر جامعه اعم از نگرش‌ها، باورها، برنامه‌ها و آیین‌ها می‌تواند روش تدریس معلم را تحت تاثیر قرار دهد. برنامه‌ها و ساخت نظام آموزشی باید متکی بر رشد همه جانبه‌ی شاگرد باشد و دارای ویژگی‌هایی از این قبیل هستند:

- ✓ هدف آموزش و پرورش رفع نیازهای آنی و آتی شاگردان و جامعه است.
- ✓ برنامه برحسب مقتضیات منطقه و نوع مدرسه و توانایی شاگردان تنظیم می‌شود.
- ✓ محتوای برنامه بر فعالیت‌های فردی و گروهی شاگردان بستگی دارد و معلم همواره نقش راهنما را بر عهده دارد.
- ✓ یادگیری مواد درسی پیوسته و همراه با حل مسأله است.
- ✓ معلمان در اجرای برنامه و انتخاب مواد درسی آزادی عمل و اختیارات بیشتری دارند.
- ✓ نتیجه‌ی فعالیت آموزشی، به صورت ارضای حس نیاز به یادگیری و کمک به رشد متعادل شخصیت شاگردان، مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- ✓ تنظیم و پیشرفت برنامه‌های آموزشی امری مداوم و پیگیر است (شعبانی، ۱۳۸۴).

فرآیند تدریس عبارت است از فرآیند مواجهه عمدی معلم و شاگرد در یک فضای آموزشی به منظور تحقق هدف‌های معین که عناصر اصلی این فرآیند عبارتند از: (۱) مراحل توالی فعالیت معلم و دانش‌آموز (۲) نقش معلم (۳) نقش دانش‌آموز (۴) نحوه ارتباط معلم و دانش‌آموز (مهرمحمدی، ۱۳۸۶).

در تدریس، دانش‌آموزان، محتوایی که بنا است فراگرفته شود در چارچوب فراگیری با هم مرتبط می‌شوند. در این چارچوب هدف تدریس امکان‌پذیر ساختن یادگیری است (پارش^۱، ۲۰۰۷).

تاملین‌سان فرآیند تدریس را مانند خلق کردن موسیقی جاز می‌داند که در آن معلم با ترکیب کردن عناصر اصلی فرآیند یاددهی و یادگیری به پیکربندی ذهن دانش‌آموزان از راه‌های مختلف می‌پردازد و اظهار می‌دارد که عناصر اصلی این فرآیند در تشبیه آن به موسیقی جاز چهار عنصر می‌باشد:

- برنامه‌درسی
- ارتباط با دانش‌آموزان
- تدریس
- ارزیابی.

در هر لحظه ممکن است یکی از عناصر جلودار باشد اما دیگر عناصر باید نزدیک به آن و متداخل درهم باشند. وی برنامه‌درسی را به روح جاز و ارتباط با دانش‌آموزان به منطق (دلیل) جاز تشبیه می‌کند. ارتباط نیرو محرکه دانش‌آموزان و نشاط تدریس است که به مراتب از گوش دادن به آهنگ‌های چندگانه ای که دانش‌آموزان به داخل کلاس می‌آورند، بالاتر است. به طور کلی رمز موفقیت و اثربخشی هر تدریسی توجه به مخاطبین و نیازها و تفاوت‌های فردی آنان است. به همین دلیل کاربرد انواع متنوعی از روش‌های تدریس می‌تواند میانگین بازده مثبت حاصل از آموزش را بالا ببرد. به همین دلیل، چگونگی روش تدریس، حیطة‌ای از تخصص مناسب، برای اطمینان، چگونگی یادگیری محتوای یک رشته علمی توسط دانش‌آموز را نشان می‌دهد. در نتیجه، نکته مهم در فرآیند تدریس

¹ - Parsh

این است که معلم مشخص می‌کند چه باید یادگرفته شود تا بر اساس آن محتوای آموزشی و فعالیت‌های متناسب با درک و فهم شاگردان فراهم گردد. در واقع، توجه به سه نکته زیر در جریان تدریس لازم و ضروری است:

✓ تدریس باید هدف داشته باشد؛

✓ روش تدریس باید متناسب با هدف و مقصود باشد

✓ مفاهیم به طریقی ارائه شود که مطابق فهم و توانایی شاگردان باشد.

بنابراین، معلم باید توجه داشته باشد که طراحی سنجیده و آگاهانه فعالیت‌های مربوط به تدریس نخستین گام به سوی تدریس مبتنی بر هدف و مقصود خواهد بود (شعبانی، ۱۳۸۶).

بنابر آنچه که گفته شد، تدریس فعالیتی است که در کانون و نقطه تلاقی همه عناصر آموزشی قرار دارد و مهمترین عملکرد معلم در کلاس درس محسوب می‌شود که زمینه را برای یادگیری فراهم می‌سازد. تدریس فرآیند تسهیل‌کننده یادگیری است. از آنجا که با هر روشی نمی‌توان هر موضوعی را تدریس کرد، بنابراین برای تدریس موضوعات گوناگون روش‌های تدریس مناسب نیاز است. تدریس عبارت از تعامل یا رفتار متقابل دانش‌آموز و معلم بر اساس طراحی منظم و هدفدار برای ایجاد تغییر در رفتار دانش‌آموزان است. این تعریف دو ویژگی خاص برای تدریس را مشخص می‌کند: وجود تعامل یا رابطه متقابل بین معلم و شاگرد و هدفدار بودن فعالیت‌های معلم. همچنین تدریس خود دارای سه جزء است:

- عملکرد مشترک معلمان در تدریس رشته‌های علمی که یک جزء اساسی است.
- عملکردهای معلم که خاص یک رشته معین است و آن را عنصر محتوای مخصوص می‌نامیم.
- مفاهیمی که مبین عملکرد و جریان یادگیری و رشد دانش‌آموز است و آن را عنصر نظری می‌نامیم.

هدف اصلی تدریس یادگیری است. بر این اساس می‌توان گفت که تدریس به عنوان یک فرآیند علمی می‌تواند بنیانی برای درک در عین حال عمل تدریس فراهم آورد و معلم و

شاگرد همچون دانشمندانی هستند که از روش علمی برای شناخت و اکتشاف بهره می گیرند و در این راه از خلاقیت و شهود و بصیرت سود می جویند و به شغف ناشی از ابداع دست می یابند (موسی پور، ۱۳۹۰).

همانطور که بیان شد در ارتباط با تدریس، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. آنان که تدریس را به عنوان محصول علم در نظر دارند، بر نقش رهبری معلم در جریان آموزش تاکید ورزیده، او را مسئول تصریح هدف ها، تلقین دانش و تصحیح فعالیت های شاگردان می شمارند. آنان که تدریس را به عنوان فرآیند علم محسوب می کنند، بر نقش مشورتی معلم در جریان آموزش اصرار دارند و آموزش را جریانی از تشریک مساعی شاگردان و معلم، تفهیم مطالب و ترغیب به کاوش و حل مساله قلمداد می کنند. امروزه عقیده ی بیشتر متخصصان، تدریس، ناظر به تعامل دو قطب (معلم و شاگرد) است که معطوف به یادگیری یک یا چند شاگرد است. بر این اساس در تدریس همواره حداقل دو نفر حضور دارند؛ و ارتباط بین این دو دارای چهار سطح (ایجاد، استمرار، اثربخش ساختن و اتمام یا ارزشیابی) است. هر یک از دو عنصر تدریس، در عمل سهمی بر عهده دارند، که با افزایش سهم یکی از آن ها، سهم دیگری کمتر می شود. بر این اساس می توان نقش مربوط به معلم را برای توصیف وضعیت، به کار گرفت؛ و از دو شکل آن عناوین معلم به عنوان مدیر (رهبر) و معلم به عنوان مشاور سخن به میان آورد. در فرآیند تدریس، تنها تجربه و دیدگاه های علمی معلم نیست که موثر واقع می شود، بلکه کل شخصیت او است که در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگرد تاثیر زیادی می گذارد. دیدگاه معلم و فلسفه ای که به آن اعتقاد دارد، در چگونگی کار او تاثیر زیادی می گذارد. به طوری که او را از حالت شخصی که فقط در تدریس مهارت دارد، خارج می کند؛ و به صورت انسان اندیشمندی در می آورد که مسئولیت بزرگ تربیت انسان ها بر عهده ی او است. هاتیوا و بایرن بام^۱ به نقل از کمبر (۱۹۹۳) گفته اند، جهت گیری معلم در تدریس را می توان در یک پیوستار نشان داد، و برای آن دو قطب مشخص ساخت؛ در یک سمت پیوستار قطب معلم و دانش آموز قرار دارد، یک رویکرد انتقالی وجود دارد. در حد میان آن، که تعامل بین معلم و

^۱ Hativa & Birenbaum

دانش آموزان قرار دارد، یک رویکرد انتقالی وجود دارد. جهت گیری معلم محور، بر ارتباط مبتنی بر محتوا و دانش آموزان متمرکز می باشد. در مقابل، جهت گیری دانش آموز محور، بر رشد دانش آموز و درک او از دانش تمرکز دارد. در واقع شیوه ی تدریس، بر معلم و رویکرد منحصر بفرد او نسبت به تدریس اشاره دارد.

همان طور که برکفلد اشاره می کند، روش تدریس می تواند تعبیری از پندار معلم نسبت به تدریس خود باشد. بر اساس سطح آگاهی معلم نسبت به روش تدریس خود، معلمان می توانند درک بهتری از توانایی خود در ارتباط با تغییر روش تدریس داشته، آن را اصلاح کنند؛ و یا در راستای تعامل با دانش آموزان آن را بهبود بخشند. محققانی که در خصوص تدریس پژوهش کرده اند، شاخص هایی را برای بررسی سبک های تدریس به کار برده اند. این امر موجب شد تا تعریف های متنوعی از روش تدریس به واسطه ی توصیف گرهایی، همچون رفتار فعال و انفعالی، معلم محور و یا یادگیرنده محور و ... قابل شناسایی باشد (ایوانس، ۲۰۰۸).

تدریس اثر بخش

تدریس اثربخش به عنوان توانایی مدرس برای آسان نمودن دستیابی فراگیران به سطوح بالای تفکر یا تفکر مستقل تعریف می شود. به عبارت دیگر تدریس اثربخش در برگیرنده فعالیت هایی فراتر از ارائه صرف مطالب بوده و نیازمند تعامل معنادار بین مدرس و فراگیران است. اثربخشی معلمان در کلاس درس ابعاد مختلفی را در بر می گیرد، که از آن جمله اند:

- احترام به دانش آموز،
 - توانایی در تحریک ذهن آنان،
 - به چالش کشیدن دانش آموزان،
 - مهارت های سخنرانی و ارائه مطالب به نحو مناسب.
- برایت من و همکاران وی معتقدند که سازماندهی کلاس درس، ارائه مناسب مطالب، تعامل، تکالیف، سازماندهی کلاس درس، رعایت انصاف در امتحان و احساس موقعیت دانش

آموزان از جمله موضوعاتی هستند که باید در اثر بخشی آموزش و ارزیابی آن مورد عنایت قرار گیرند.

مفهوم تدریس اثربخش

ویلبرت مکیچی یکی از صاحب نظران برجسته آموزش و یادگیری به معلمان توصیه می کند که در آموزش ارزیابی مؤثر از فراگیران، بحث و روش های پرسش، یادگیری مشارکتی و راهبردهای ارزیابی از سوی همکاران را مدنظر قرار دهند. وی معتقد است که موضوعات فوق همچنین در بهبود انگیزش مؤثرند. تحقیقات همچنین نشان می دهد که کادر آموزشی موفق، با آمادگی در سر کلاس درس حضور می یابند. به دانش آموزان و موضوع درس علاقه مندند. ابتدایی ترین تعریف تدریس اثربخش عبارت است از توانایی معلم برای کمک کردن به دانش آموزان و فراگیران در رسیدن به استانداردهای بالا می باشد. تدریس اثربخش باید منظم و برانگیزاننده باشد و موجب ارتقای انگیزه، نشاط، نوآوری و افزایش کارایی معلم و دانش آموز شود. تدریس اثربخش با تربیت و آماده سازی معلم اثربخش آغاز می شود. معلمان اثربخش، مشتاق و دارای انگیزه و نگرش مثبتی نسبت به آموزش بوده آن را در رفتار خود منعکس کرده، جهت بهبود آن تلاش می کنند و با ایجاد قوانین واضح و روتین و سیستم پاداش در کلاس درس اجازه نمی دهند که ذهن دانش آموزان از کلاس منحرف شود. بهره وری دانش آموزان نیز از آموزش مؤثر در راهبردهای یادگیری فقط مختص به داخل کلاس درس نمی باشد و تأثیر آن می تواند چندین سال باشد؛ همچنان که تأثیر یک معلم غیر اثربخش نیز چندین سال است. تدریس اثر بخش شامل یک رشته از عملکردها و ویژگی های معلمان معرفی شده که موجب دستیابی به اهداف آموزشی و ایجاد یادگیری مطلوب در دانش آموز می گردد. با توجه به واگذاری بیشتر مسئولیت در تدریس به مدرسان، تعیین شاخص ها و صلاحیت های معلمان ضرورت می یابد. می توان گفت که تعریف های مرتبط با معلمان به جهت مسئولیت کلیدی آنان در بهبود تدریس ارائه شده است. تدریس اثربخش در نظام آموزشی به طور گسترده ای معطوف به دانش آموزان و یادگیری آنهاست. برای رسیدن به این هدف دو اصل اساسی مورد توجه قرار گرفته است: